مجازات ضرب و جرح

ضرب و جرح از جمله جرایمی است که به تمامیت جسمانی دیگری آسیب وارد می کند و در زمره جرایم علیه اشخاص می‌باشد. شدت وضعیت آسیب ها برحسب شرایط زمانی و مکانی و خصوصیات طرفین درگیر، متغیر می باشد. امروزه عوامل مختلفی همانندخصوصیات محیطی، قومی، فردی، مزاجی و... در بروز این جرم موثر بوده و روی بزه دیده و اطرافیان او و اشخاصی که ناظر چنین صحنه های خشونت آمیزی هستند، آثار مختلفی می گذارد. ضرب در لغت به معنی «زدن» است و از منظر حقوقی به «صدماتی گفته می شود که وارد کردن آنها موجب از هم گسیختگی ظاهری نسوج و جاری شدن خون از بدن نمی شود.» بنابراین ملاک تشخیص وارد کردن صدمه بدون خونریزی ظاهری است.

اما «جرح» در لغت به معنی زخم زدن بوده و به «آسیب‌هایی گفته می شود که موجب از هم گسیختگی بافت‌ها شده و با خونریزی ظاهری و بیرونی همراه باشد» مانند خراشیدگی، بریدگی یا پارگی دست. بنابراین قطع عضو، سوختگی، شکستگی و بریدگی و امثال آن از انواع جرح محسوب خواهند شد.

موارد قطع یا جرح عضو عمدی

اگر شخصی به قصد قطع یا جرح عضو به دیگری صدمه وارد کند یا این که قصد این عمل را نداشته باشد ولی عملش منجر به قطع یا جرح عضو شود، در این حالت نیز عمل او عمدی محسوب می شود؛ مانند آن که قصدش دور کردن دیگری از صحنه درگیری یا ادب کردن او باشد و با چاقو به او صدمه وارد کند. در اینجا قصد او قطع یا جرح عضو نیست ولی نوع وسیله ای که از آن برای انجام این کار استفاده کرده، منجر به این نتیجه شده است. همچنین ممکن است شخص نه قصد مصدوم کردن داشته باشد و نه عملش منجر به ایراد صدمه شود ولی عمل او نسبت به طرف مقابل به واسطه پیری، بیماری، ضعف جسمانی یا سن کم منجر به قطع یا جرح عضو شود و او نیز به این مسئله واقف باشد. در این حالت نیز اقدام او عمدی محسوب می شود. باید توجه داشت که اگر قطع یا جرح عضو عمدی باشد، شخص مصدوم می تواند از دادگاه تقاضای قصاص کند که در صورت اثبات مجرمیت ضارب وی مجرم شناخته شد و با رعایت شرایط زیر قصاص خواهد شد:

– باید در قصاص بین اعضا تساوی وجود داشته باشد، یعنی اگر کسی دست راست دیگری را شکست، دست راست او به تقاضای مصدوم شکسته می شود. از این رو تساوی در محل شرط است و باید در مقابل قطع عضو طرف راست، عضو همان طرف و در مقابل طرف چپ، عضو همان طرف قصاص شود. البته در اینجا یک استثنا وجود دارد و آن در مورد دست و پا است. به این صورت که اگر مجرم دست راست نداشته باشد، دست چپ او و اگر دست چپ هم نداشته باشد، پای او به جای دست قصاص می شود ولی این قاعده در مورد سایر اعضا مثل گوش، چشم و... تسری پیدا نمی کند.

در قصاص علاوه بر تساوی بین محل اعضا، باید از نظر سالم بودن و اصلی بودن هم با یکدیگر مساوی باشند. بنابراین هرگاه در قصاص جرح رعایت تساوی ممکن نباشد (مانند بعضی از جراحت ها یا سوختگی های عمیق) یا در مورد شکستگی استخوان ها که قصاص موجب تلف جان مجرم شده و سبب می شود که بیشتر از مقدار صدمه وارده به مصدوم، به مجرم آسیب وارد شود، به جای قصاص وی، از او دیه گرفته و به شاکی پرداخت می شود. بنابراین چنان چه هر یک از شرایط گفته شده یعنی تساوی در سالم بودن، اصلی بودن و محل عضو وجود نداشته باشد یا قصاص موجب تلف جان یا عضو مجرم گردد، قصاص اجرا نخواهد شد و تبدیل به پرداخت دیه می شود.

– در مواردی که اجرای حکم قصاص قطعی باشد، شرط اصلی آن است که نباید اندازه آن بیشتر از اندازه صدمه وارده به شاکی باشد. برای رعایت این شرط، حدود جراحت وارده به طور کامل اندازه گیری می شود.

– در قطع و جرح و ضرب عمدی عضو به هنگامی که به هر دلیل امکان قصاص عضو نباشد (مثلاً شاکی رضایت داده باشد یا شرط تساوی محقق نباشد) در شرایط زیر ضارب به دو تا پنج سال حبس محکوم خواهد شد:

۱ – صدمه وارده موجب نقصان یا شکستن یا از کار افتادن عضو مصدوم شود.

۲ – صدمه وارده منتهی به مرض دائمی یا فقدان یا نقص یکی از حواس یا منافع مصدوم گردد.

۳ – صدمه وارده منجر به از بین رفتن عقل مصدوم گردد.

قاضی تشخیص دهد که اقدام مجرم باعث اخلال در نظم و امنیت عمومی شده یا موجب شده که وی یا دیگران متجری و گستاخ شوند. اگر صدمات وارده منجر به آسیب های گفته شده نگردد ولی مجرم از اسلحه یا چاقو و امثال آن در وارد کردن صدمه استفاده کرده باشد، به سه ماه تا یک سال حبس محکوم می شود.

گاهی اوقات درگیری ها به صورت دسته جمعی است. در این موارد قانونگذار برای هر یک از شرکت کنندگان در منازعه، چه آسیب دیده باشند و چه آسیب وارد کرده باشند، مجازات مقرر کرده است و این صرفاً به خاطر حضور و شرکت آنها در درگیری است. در صورتی که منازعه منتهی به نقص عضو شود، هر یک از شرکت کنندگان به حبس از ۶ ماه تا سه سال و اگر منازعه منتهی به ضرب و جرح شود، هر یک به سه ماه تا یک سال حبس محکوم خواهند شد.

به طور معمول شرکت کنندگان در منازعه مدعی می شوند که برای میانجی گری یا دفاع از خود وارد درگیری شده اند که اثبات این امر برعهده آنها و تشخیص آن با قاضی است. اگر دادگاه اقدام شخصی را دفاع مشروع تشخیص دهد، از مجازات‌های مقرر معاف می کند.

دفاع مشروع

اگر شخصی در مقام دفاع از جان، مال و ناموس خود یا دیگری یا آزادی تن خود یا دیگری در برابر تجاوز یا خطر قریب‌الوقوع عملی انجام دهد که آن عمل به طور ذاتی جرم محسوب می شود (مثل قتل، ضرب، جرح و...) در صورتی اقدام او دفاع مشروع محاسبه خواهد شد که دفاع او متناسب با تجاوز و خطر باشد و عمل او بیش از حد لازم نباشد و امکان توسل به ماموران انتظامی بدون فوت وقت ممکن نباشد یا این که مداخله آنها در رفع تجاوز یا خطر موثر نباشد. به عبارت دیگر، وجود تمام این شرایط ضروری و لازم است و عدم تحقق آنها، موجب خواهد شد که دفاع، مشروع تلقی نگردد.

دفاع از جان یا ناموس یا مال یا آزادی تن «دیگری» هنگامی مشروع محسوب می شود که او قدرت دفاع نداشته و نیاز به کمک داشته باشد. مقاومت در مقابل ماموران امنیتی و انتظامی هنگامی که مشغول انجام وظیفه هستند، دفاع محسوب نمی‌شود مگر این که ثابت شود آنها از حدود وظیفه شان خارج شده اند و برابر شرایط و اوضاع و احوال بیم آن می رود که عملیات‌شان موجب قتل یا صدمه یا تعرض به ناموس شود که در این صورت دفاع جایز خواهد بود.

منابع:

سایت www.magiran.com
سایت IRANDOC
کتاب قانون مجازات اسلامی

معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم
دادگستری استان فارس
اداره همکاری های اجتماعی وفرهنگی و
مشارکت های مردمی

آشنایی با قرآن

متفکر شهید استاد مرتضی مطهری

تفسیر سوره فجر

آن وقت افرادی که اینطور فساد می‌کنند (فاکثروا فیها الفساد) کسانی هستند که این تصاحب نعمت‌ها را دلیل بر یک نوع کرامت و شرافت ذاتی خودشان قرار می‌دهند. در آیات بعد قرآن می‌گوید: روزی خواهد آمد که تو خواهی فهمید که اینها دلیل بر هیچ چیز نیست، پس امروز بیدار باش.

فاما الانسان اذا ما ابتلیه ربه فاکرمه و نعمه فیقول ربی اکرمن. انسان آنگاه که پروردگارش او را مورد ابتلا قرار می‌دهد پس او را اکرام می‌کند به مال (که یک اکرام ابتدایی و ظاهری است و [اینکه واقعاً اکرام باشد] بستگی به عکس‌العمل او دارد) و نعمت خودش را به او می‌دهد، می‌گوید: بله، پروردگار من مرا مکرم داشته است و من پیش او شرافتی دارم که دیگران ندارند. خلاصه همه چیز را با پول و مقام و امور مادی دنیا حساب می‌کند.

و اما اذا ما ابتلیه فقدر علیه رزقه فیقول ربی اهانن بار دیگر که خدا او را مورد امتحان و آزمایش قرار می‌دهد و روزی‌اش را بر او تنگ می‌گیرد می‌گوید: «ما دیگر خدازده هستیم.» اینها خدازدگی نیست. خدازدگی چیست؟ آن چیزهایی که از اعمال خودتان ناشی می‌شود: کلا بل لا تکرمون الیتیم. و لا تحاضون علی طعام المسکین.

***

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم. فاما الانسان اذا ما ابتلیه ربه فاکرمه و نعمه فیقول ربی اکرمن. و اما اذا ما ابتلیه فقدر علیه رزقه فیقول ربی اهانن. کلا بل لا تکرمون الیتیم. و لا تحاضون علی طعام المسکین. و تاکلون التراث اکلا لما. و تحبون المال حبا جما.

آیات سوره مبارکه فجر است. دو فراز از این سوره را در جلسات قبل تفسیر کردیم. فراز اول پنج آیه کوتاه بود که سوگند بود و فراز دوم درباره آن عذابی بود که خدای متعال به قوم عاد و به فرعون و فرعونیان مسلط کرد و عاقبت سوء کفران نعمت آنها.

از اینجا (فاما الانسانِ...) شروع می‌کند به بیان یک اصل کلی که آنچه قبلاً راجع به عاقبت قوم عاد و قوم فرعون گفته شد مصداق این اصل کلی است.

نعمت و نقمت، وسیله امتحان الهی است

برای اینکه مقصود خوب و روشن بشود مقدمه کوتاهی عرض می‌کنیم و آن اینکه: آیا نعمت‌های دنیا و خیرات و برکات و به تعبیر دیگر رزق‌ها و نصیب‌هایی که به انسان می‌رسد، برای انسان نعمت و کرامت است یا نه؟

برعکس، آیا فقرها و بیماری‌ها و گرفتاری‌ها، برای انسان شقاء و شقاوت شمرده می‌شود؟ یعنی آیا رزق‌ها علامت لطف و کرامت الهی است و دلیل بر این است که این بنده مورد عنایت خاصی است که مستلزم نوعی تقرب به خداوند است؟

و آیا فقرها و گرفتاری‌ها علامت این است که این بنده دور از خداوند و مورد بی‌عنایتی خداوند است چون استحقاق عنایت و لطف خدا را ندارد؟ یا نه، عکس قضیه است و آنچه که ما به عنوان نعمت و کرامت می‌شناسیم مثل مال و ثروت و سلامت، بلا و شقاوت است و فقر و بیماری و گرفتاری، برای انسان کرامت و نعمت است؟

اینجا در جواب، قرآن بیان خیلی لطیفی دارد و آن این است که هیچ کدام؛ نه اقبال نعمت‌های دنیا برای انسان علامت عنایت خاص خداوند یا علامت لعنت خداوند و دوری از خداست و نه در نقطه مقابل، فقر و گرفتاری و بی‌چیزی فی حد ذاته و به خودی خود علامت عنایت و لطف خداوند و یا علامت مبغوض خداوند واقع شدن و مورد عقاب الهی قرار گرفتن است. در منطق قرآن هر دوی اینها برای انسان فقط وسیله است که هم می‌تواند وسیله سعادت و کمال و تقرب واقع شود و هم می‌تواند وسیله شقاوت و دوری از خدا و بدبختی واقع شود؛ یعنی هیچ کدام بالفعل و بالذات دلیل بر هیچ چیزی نیست؛ نه انعام و اقبال دنیا به انسان علامت لطف یا بی‌لطفی الهی است و نه ادبارش، بلکه در منطق قرآن هر دوی اینها وسیله است و به تعبیر خود قرآن امتحان است.

انسان می‌تواند از امتحان «داشتن» سرفراز بیرون بیاید و می‌تواند رفوزه بیرون بیاید، و نیز از امتحان «نداشتن» ممکن است موفق بیرون بیاید و ممکن است شکست خورده بیرون بیاید. و لهذا قرآن از هر دوی اینها به عنوان ابتلا و امتحان الهی یاد می‌کند و می‌گوید هیچ‌کدام از اینها را فی حد ذاته چیزی نشمارید، ولی این طور به مسئله نگاه کنید که خدا این نعمت‌ها را به من روزی کرده است پس من الان مورد آزمایش الهی هستم و باید بدانم که وظیفه‌ام چیست؟

اگر انسان در مورد داشتن، به وظیفه‌ای که در آن شرایط و در آن وضع دارد عمل کند آن داشتن، نعمت واقعی است و اگر عمل نکند همان، وسیله بدبختی است. مثل ریسمانی است که به انسان بدهند که با آن، هم می‌تواند بالا برود و هم می‌تواند ته چاه برود. فقر هم همین طور است. چه بسا افرادی که در فقر به کمال و سعادت رسیده‌اند و چه بسیار افرادی که از فقر به شقاء و بدبختی رسیده‌اند، هم در دنیا بدبخت شدند هم در آخرت. پس نه اغنیا می‌توانند به آن دلیل که اغنیا هستند بگویند «ما مورد عنایت الهی هستیم و شما فقرا اگر آدم‌های خوبی بودید خدا این قدر توی سرتان نمی‌زد» و نه فقرا می‌توانند بگویند «شما به دلیل اینکه اغنیا هستید آدم‌های بدی هستید و ما به دلل اینکه فقیر هستیم آدم‌های خوبی هستیم». نه غنی بودن دلیل خوبی یا بدی است و نه فقیر بودن، بلکه آن عکس‌العملی که انسان در زمینه غنا و فقر نشان می‌دهد معین می‌کند که آیا این غنا سبب سعادت است یا سبب بدبختی.

طرح: عصرمردم

جدول شماره ۹۴/۷۷۴

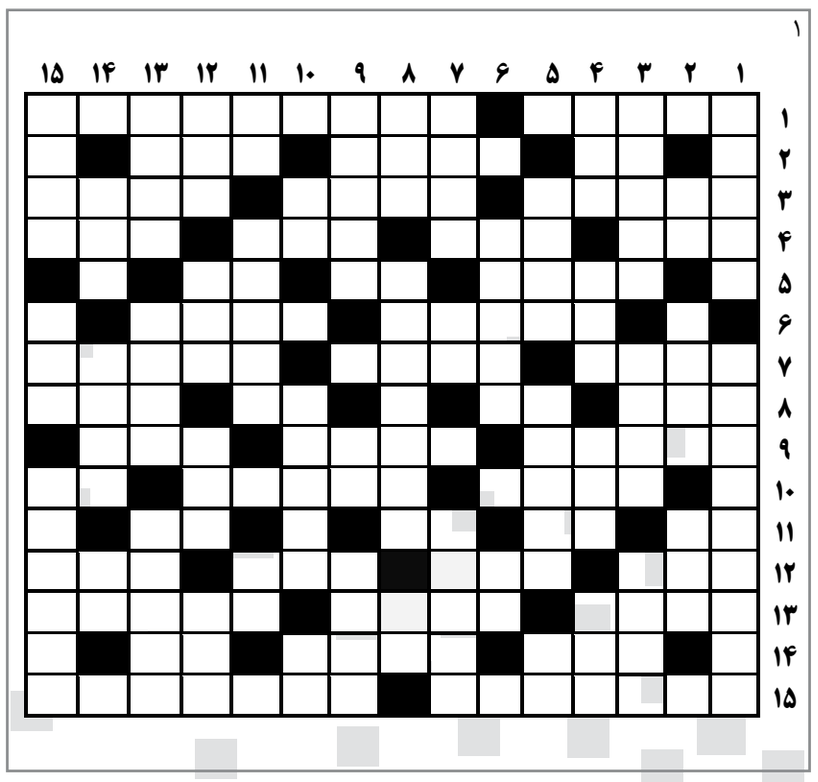

افقی:

۱–نامی پسرانه– نوعی برنج فارسی
۲–کافی– نام فرهنگنامه‌ای فارسی– امید
۳–هواپیمای عرب– چپ– افسار و لگام
۴–نوعی آچار– بخشی از پا– بن مضارع از مصدر یافتن– از استان‌های کویری
۵–اطمینان قلبی– رود آرام روسی– یک خودمانی
۶–کنکاش– از اشکال هندسی
۷–از صیفی‌جات– بچه‌ها را از آن می‌ترسانند– اتاق کوچک
۸–لیز– من و تو– نیکی– چرک
۹–در آخرت برپا می‌شود– درون– نقره
۱۰–حقه و کلک– دیدار از بقاع متبرکه– نفوذ در سایت اینترنتی
۱۱–یکصد مترمربع– خدای درویشان– عمق– پروردگار
۱۲–اصیل و خالص– جگر– وتد– منطقه‌ای در تهران
۱۳–نمایشی حیوانی انسانی– بخشی از دستگاه گوارش– نقاشی شده
۱۴–مرکز اتریش– پیغمبری در شکم ماهی– خاک کوزه‌گری
۱۵–حرکتی زنانه– به اسرای جنگ تحمیلی می‌گویند

عمودی:

۱–هشدار تهدیدآمیز– از شگفتی‌های عالم هستی
۲–پهلوان– غذای قهوه‌خانه‌ای– نظر
۳–چوپانی– نام دیگر مأمور پلیس در زمان‌های گذشته– آشکار شدن و ظهور
۴–آسانی– مخفف قاجار– قمر– در تولد می‌برند
۵–از غذاهای قدیمی ایرانی– خالی از سکنه– مذکر
۶–پایان– خشکی
۷–مترصد دشمن نشستن– مکان– مدون کردن
۸–ناامید شده– نوعی غذای ساده با پیاز و سیب زمینی– مادر ورزش‌ها
۹–مرکز امپراتوری ساسانی– نام قبیله حاتم بخشنده– گوارا شده
۱۰–علامت مفعول بی‌واسطه– از مشاغل ساختمانی– سزای بی‌پایان
۱۱–برابر– از شهرهای هند– از ظروف بزرگ قدیمی
۱۲–سنگسار کردن– عزم و اراده– پوشش– از بازی‌های قدیمی
۱۳–بی‌اساس– کمک– اصطلاحاً یعنی تا دیروقت
۱۴–نام پدر حضرت ابراهیم (ع)– از خورشت‌های سنتی– جدید
۱۵–واحد اندازه‌گیری طول– کم شیرازی– به مجموعه‌ای از میلیاردها ستاره و سیاره می‌گویند

جواب جدول شماره ۹۴/۷۷۳

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	ا	د	ا	ر	ه	■	ه	ا	ش	م	ی	ن	ز	ا	د
۲	ف	■	ی	ک	■	ک	ا	ش	ی	■	س	م	ی	■	ا
۳	ط	ا	ل	ب	ی	■	ش	ک	ر	ک	■	ل	ت	و	خ
۴	ا	ن	ا	■	ک	ا	م	■	ا	ن	س	■	ت	ک	ل
۵	ر	■	م	ح	ا	ل	■	ا	ز	■	ی	خ	■	ر	■
۶	■	س	■	ن	ب	د	ر	ی	■	س	م	و	ر	■	س
۷	چ	ل	ا	ل	■	ن	ی	ز	ه	■	ا	ش	ک	ا	ن
۸	■	ی	م	■	ر	ک	■	و	■	ا	ب	■	ی	ل	ه
۹	م	ک	ا	■	ی	د	ن	■	ی	ن	ک	س	ب	ک	■
۱۰	ی	■	ر	ا	ش	د	■	ا	ر	ب	ا	پ	■	ل	د
۱۱	ک	م	■	س	د	■	د	م	ا	ر	■	ا	ی	■	ر
۱۲	ا	ر	ب	■	ن	ه	ی	م	ر	ز	ا	■	ع	چ	پ
۱۳	ر	ا	س	ل	■	ی	ر	ا	ق	■	ا	ش	ق	ی	ا
۱۴	■	ت	ی	و	ش	■	و	ق	ا	ر	■	ر	و	■	ن
۱۵	ر	ن	چ	ا	م	ی	ز	■	م	ا	ر	ک	پ	ر	ی

سودوکو

جدول شماره ۹۴/۲۴۸

	6		9	4				
		8			7		4	6
7			2	1	6			9
6		2	7	3				
3		5				4		2
				2	5	7		8
2			8	6	3			4
4	3		5			6		
				9	1		2	

جواب جدول شماره ۹۴/۲۴۷

7	1	3	9	2	4	5	6	8
5	4	2	6	8	7	1	9	3
6	8	9	5	1	3	7	4	2
3	5	8	7	4	6	9	2	1
2	7	1	8	3	9	6	5	4
9	6	4	2	5	1	8	3	7
1	2	7	3	6	5	4	8	9
8	9	5	4	7	2	3	1	6
4	3	6	1	9	8	2	7	5

شیوه حل جدول سودوکو

یک سودوکوی معمولی دارای ۹ ستون عمودی و ۹ ردیف افقی است که توسط خطوط پررنگ‌تر به ۹ جعبه ۳ در ۳ تقسیم شده است.

تعدادی از خانه‌ها در این جدول دارای عدد هستند و وظیفه شما این است که خانه‌های خالی را پر کنید طوری که هیچ عددی در یک ستون، ردیف و جعبه تکرار نشود.

اعدادی که در هر ردیف و ستون قرار می‌گیرد از عدد ۱ تا ۹ را شامل می‌شود و نباید تکراری باشند.